

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سیره اجتماعی

پیامبر اعظم  
صلی الله علیه و آله و سلم

## سیره اجتماعی پیامبر اعظم ﷺ

گردآوری و تدوین: گروه تحقیقات موسسه فرهنگی هنری قدرولایت

نوبت چاپ: دوم ۱۳۸۹ // شمارگان: ۲۰۰۰ جلد  
حروفچینی: دانایی // لیتوگرافی: سحر // چاپ و صحافی: صاحب کوثر  
طراح جلد: خلیلی فر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۵۵۵-۵۵

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

دفتر توزیع و پخش: خیابان پاسنور - خیابان ۱۲ فروردین جنوبی - کوچه خاقانی پلاک ۸

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۴۷۰۲۰۵

نمایندگی‌های فعال در استانها و شهرستانها

اهواز، رسانه بیداری ۰۶۱۳۲۲۱۱۷۲۵

بابل، مرکز فرهنگی سردار شهید حاج بصیر ۰۱۱۳۲۲۹۸۱۵۵ // بندر لنگه، فروشگاه قدرولایت ۰۷۶۲۲۲۲۲۳۵۹۶ // بوشهر، کتابفروشی باران ۰۷۷۳۳۳۳۶۰۱۸

تهران، چاپ و نشر بین الملل ۸۸۹۰۳۸۴۳ // جهوم، انتشارات مصلی نژاد ۰۷۱۵۴۳۳۳۶۹۶

شیراز، نمایشگاه قرآن و عترت ۰۷۱۳۶۲۶۴۴۳ // قم، بوستان کتاب ۰۲۵۳۷۷۲۲۱۵۵ // قم، سوره مهر ۰۲۵۳۱۰۷۴ // قم، زهرا ۰۲۵۳۷۷۲۰۷۳۵

عجب شیر آقای روده کار ۰۹۱۴۴۶۲۳۷۹ // مرند، کانون فرهنگی شهید جان آقا ۰۹۱۴۴۶۲۳۷۹ // یاسوج، کتابفروشی الفدیر ۰۷۴۳۳۳۶۴۰۹

نمایندگی‌های بانوق کتاب (دفتر مرکزی) ۰۲۵۳۷۷۴۲۷۵۷

نشانی پایگاه اینترنتی: [www.ghadr110.ir](http://www.ghadr110.ir) نشانی پست الکترونیکی: [info@ghadr110.ir](mailto:info@ghadr110.ir)

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است

## فهرست مطالب

۱۱	..... مقدمه
۱۵	..... اسماء پیامبر ﷺ
۱۶	..... ساعت ولادت پیامبر ﷺ
۱۶	..... سال تولد پیامبر ﷺ
۱۷	..... مکان تولد پیامبر ﷺ
۱۷	..... توصیف پیامبر اعظم ﷺ
۱۸	..... فرزندان پیامبر اعظم ﷺ
۲۰	..... زیدین حارثه پسرخوانده رسول الله ﷺ

### فصل اول: رفق و مدارا

۲۵	..... رفق و مدارا در منطق عملی پیامبر ﷺ
۳۵	..... عدم تنفیر.....
۳۷	..... کانون رحمت.....

### فصل دوم: تکریم

۴۳	..... جایگاه تکریم در روابط اجتماعی.....
۴۵	..... منطق عملی پیامبر ﷺ.....
۴۹	..... تکریم کودکان در سیره پیامبر ﷺ.....
۵۲	..... نتایج کرامت و یا حقارت شخصیت.....

- ۱- آزاد شدن از دنیا و یا اسارت در چنگال آن ..... ۵۲
- ۲- نفاق و دورویی و یا یکرنگی و صداقت ..... ۵۲
- ۳- فضائل و ردائل اخلاقی ..... ۵۳

### فصل سوم: عدم انظلام و کمک به مظلوم

- عدم انظلام در سیره پیشوایان عدل ..... ۵۷

### فصل چهارم: مساوات

- خاستگاه مساوات ..... ۶۷
- اعلام مساوات همگانی و نفی اختلافهای طبقاتی ..... ۶۹
- اقسام مساوات در سیره پیامبر ..... ۷۱
- ۱- مساوات اجتماعی ..... ۷۱
- ۲- مساوات در برابر قانون ..... ۷۳
- ۳- مساوات در تقسیم بیت‌المال ..... ۷۵
- ۴- مساوات در مالیاتهای اسلامی ..... ۷۷
- ۵- مساوات در تحصیل علم ..... ۷۸
- ۶- مساوات در تصدی شغلها و انجام مسؤولیتها ..... ۸۲

### فصل پنجم: عدم مُداهنه

- عدم مداهنه در منطق عملی دین ..... ۸۷

### فصل ششم: عدم استرحام

- عدم استرحام در سیره پیشوایان حق ..... ۹۷
- استرحام و تکدی ..... ۱۰۲
- مذمت گروه اول ..... ۱۰۳

## فهرست مطالب ..... ۷

- ۱۰۴ ..... مذمت گروه دوم
- ۱۰۵ ..... پیامدهای تکدی
- ۱۰۵ ..... ۱- ستم به خویش
- ۱۰۶ ..... ۲- رذائل اخلاقی
- ۱۰۶ ..... ۳- سستی و تن‌پروری
- ۱۰۷ ..... ۴- فقر و پریشانی

### فصل هفتم: عدالت اجتماعی

- ۱۱۱ ..... اهمیت و جایگاه عدالت اجتماعی
- ۱۱۳ ..... عدالت و عبودیت
- ۱۱۴ ..... رسول عدالت
- ۱۱۶ ..... عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی
- ۱۱۸ ..... حکومت و عدالت

### فصل هشتم: اخوت

- ۱۲۱ ..... اخوت ایمانی
- ۱۲۲ ..... پیمان اخوت
- ۱۲۵ ..... حقوق اخوت ایمانی
- ۱۲۵ ..... اهمیت شناخت حقوق مؤمنان بر یکدیگر و ادای آن
- ۱۲۶ ..... وظایف مؤمنان نسبت به یکدیگر
- ۱۲۸ ..... عوامل دوستی، محبت، مسؤولت و پیوستگی در میان برادران دینی
- ۱۲۹ ..... ۱- مهرورزی، عطوفت و گرامی داشتن یکدیگر
- ۱۳۰ ..... ۲- برآوردن نیازهای یکدیگر و تلاش در راه آن
- ۱۳۱ ..... ۳- مواسات
- ۱۳۱ ..... ۴- فریادرسی و گشودن گرفتاری یکدیگر

- ۵- شاد کردن مؤمن ..... ۱۳۲
- ۶- دیدار با برادران دینی..... ۱۳۳
- ۷- گرد آمدن و مذاکره و گفتگوی برادران..... ۱۳۵
- ۸- دست دادن با یکدیگر..... ۱۳۷
- ۹- دست به گردن یکدیگر انداختن و بوسیدن..... ۱۳۸
- عوامل کینه، دشمنی، پراکندگی و گسستگی..... ۱۳۹
- ۱- دوری و کناره گیری از یکدیگر..... ۱۳۹
- ۲- عدم همکاری و یاری یکدیگر..... ۱۴۱
- ۳- ستم به یکدیگر..... ۱۴۱
- ۴- ارباب و ترساندن یکدیگر..... ۱۴۲
- ۵- آزار و خوار شمردن دیگران..... ۱۴۳
- ۶- بدگمانی و بددلی..... ۱۴۴
- ۷- بی وفایی و فریبکاری..... ۱۴۵
- ۸- دروغ..... ۱۴۶
- ۹- تجسس و عیبجویی..... ۱۴۷
- ۱۰- سرزنش دیگران..... ۱۴۸
- ۱۱- سخن چینی..... ۱۴۸
- ۱۲- استهزاء و مسخره کردن..... ۱۵۰
- ۱۳- حسادت..... ۱۵۰
- ۱۴- غیبت..... ۱۵۱
- ۱۵- تهمت..... ۱۵۲
- ۱۶- مجادله و ستیزه..... ۱۵۳
- ۱۷- خشم..... ۱۵۳
- ۱۸- دشنام..... ۱۵۵
- ۱۹- خُلف وعده..... ۱۵۶



## فهرست مطالب ..... ۹

- ۲۰- فخر فروشی و برتری جویی ..... ۱۵۷  
جامعه اسلامی همانند یک خانواده ..... ۱۵۷

### فصل نهم: تعاون، تکافل و مواسات

- جایگاه و اهمیت تعاون، تکافل و مواسات ..... ۱۶۱  
پیام آور تکافل و مواسات ..... ۱۶۵  
مواسات اهل ایمان ..... ۱۷۵  
مواسات انصار با مهاجران ..... ۱۷۷  
اقسام و ابعاد مواسات و تکافل ..... ۱۷۹

### فصل دهم: اهتمام برای مستضعفان

- اهتمام برای مستضعفان ..... ۱۸۵  
جهتگیری اسلام ..... ۱۹۰  
خاستگاه اجتماعی پیامبران ..... ۱۹۱  
مشی پیامبر اسلام ..... ۱۹۴  
کرامت و عزت مستضعفان ..... ۱۹۶  
دفاع از مستضعفان و یاری و نجات آنها ..... ۲۰۰  
حکومت مستضعفان ..... ۲۰۲

### فصل یازدهم: مقابله با مستکبران

- ستیز با استکبار و مستکبران ..... ۲۰۷  
پیشوای مستکبران ..... ۲۰۹  
پرهیز از تاسی به پیشوای مستکبران ..... ۲۱۳  
مقابله با خوی استکباری ..... ۲۱۵  
جهتگیری دین ..... ۲۱۹

- جدال دائمی پیامبران با مستکبران ..... ۲۲۱  
نبردهای پیامبر اکرم ﷺ با مستکبران ..... ۲۲۱

### فصل دوازدهم: شورا

- اهمیت و ضرورت شورا ..... ۲۲۹  
شیوه عمل پیامبر ﷺ و اوصیایش ..... ۲۳۳  
با چه کسانی باید مشورت کرد؟ ..... ۲۴۰  
۱- خدا ترسی ..... ۲۴۰  
۲- تقوای الهی ..... ۲۴۱  
۳- تعقل ..... ۲۴۱  
۴- تجربه ..... ۲۴۲  
۵- علم ..... ۲۴۲  
با چه کسانی نباید مشورت کرد؟ ..... ۲۴۳  
۱- ترس از غیر خدا ..... ۲۴۴  
۲- بخل ..... ۲۴۴  
۳- حرص ..... ۲۴۵  
۴- دروغگویی ..... ۲۴۵  
۵- حماقت و جهل ..... ۲۴۵  
وظیفه مشورت کننده و مشاور چیست؟ ..... ۲۴۶  
نمایه موضوعی ..... ۲۴۷  
نمایه اشخاص ..... ۲۵۴

## مقدمه

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ نَجِيْبُهُ وَ صَفْوَتُهُ ...

(نهج البلاغه - خطبه ۱۵۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

الْمُنْتَجِبِينَ.

خداوند ما را آفرید و راه خودش را به وسیله پیامبران و امامان به ما شناساند، ما باید پیامبر و امامان خود را بشناسیم تا با علاقه به سخنانشان گوش دهیم. ما خدا را از راه عقل و فکر می شناسیم و با پیامبر و امام از راه معجزه در قرآن آشنا می شویم. پیروی از امام، مثل پیروی از خدا و رسول، بر همه ما واجب است، و این انبیا و پیغمبرانند که برای هدایت جامعه های بزرگ از جانب خداوند مبعوث شده و در تمام شؤون زندگی اعم از مادی و معنوی اقوام خود را ارشاد و هدایت نموده و در اثر ارتباط با مبدأ و آشنایی با حقایق و واقعیت های جهان هستی، آنچه را که لازمه ترقی و تکامل فرد و اجتماع بوده است، در دسترس آنان قرار داده اند و

منشأ تحولات بزرگ در تاریخ حیات اجتماعی انسانها بوده‌اند.

در میان تمام پیغمبران و سفیران الهی آن‌که بر همگان برتری داشته و برای تأمین سعادت تمام انسانها در تمام زمانها و مکانها مبعوث گردیده، اشرف و افضل انبیاء بلکه اشرف و سرور کائنات و مفخر موجودات و چنین کس - که در تاریخ حیات بشر ماندش دیده نشده - حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله ﷺ پیامبر گرامی است، که از ولادت تا بعثت، و از بعثت تا هجرت، و از هجرت تا رحلت، وجود عزیز و نازنینش، باخیر و برکت و لطف و رأفت همراه بوده و با نور هدایتش، انسان را به راه‌هایی و سعادت ابدی راهنمایی کرده است.

براستی که «محمد» ﷺ پا کترین، بهترین، گرانبها ترین و گرامی‌ترین گوهر صدف هستی است.

در پا کترین دودمانها، از پا کیزه‌ترین گوهرها، با پا کترین سیرتها، چشم به جهان گشوده، در قلب صحرا، زیر آسمانی صاف و روشن، در دامانی پاک رشد کرده و به جوانی رسیده، در پرتو اندیشه و جهان‌بینی اجداد بزرگوارش (فرزند فرزندانگان اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام، فرزند ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام اند) از شرک و بت پرستی بیزاری جسته و در ضمیر آگاه و بیدار خویش به وحدانیت خدای یگانه - همان ایمان و اعتقادی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، به فرمان پروردگار به تبلیغ آن مأمور شده بود - ایمان آورده، در غایت زیبایی جمال، به کمال معنوی رسیده، با حسن اخلاق و رفتار، راستی و درستی گفتار و کردار، پاکی و نجابت و صداقت و امانت خود، در سالهای زندگی، احترام و علاقه و اطمینان مردم شهر و دیارش را جلب کرده و به

مرحله‌ای، به مقامی، به فرازی قدم نهاده که تنها، آری! فقط تنها او، می‌تواند پای بگذارد، که پس از آن، اوج است بالا، بالا و بالاتر، و این همان جاست... جایی که از آغاز خلقت تا پایان جهان، تنها اوست که می‌تواند، و توانسته در آن قرار بگیرد، مکان مقدّسی در زمین و در زمان که تنها او شایستگی رسیدن به آن را دارد... و اینک... آن انفجار عظیم و شگفت، انفجار در زمان و مکان، انفجار نور، انفجار نام، انفجار عشق و انفجار... آن صدای غیرقابل توصیف و: ﴿اِقْرْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (سوره مبارکه علق - آیه ۱).

محمّد ﷺ از جانب خداوند به رسالت برگزیده شده است و این، لحظه نورانی - حضور جبرئیل و فروخواندن این آیه مبارک - و ابلاغ فرمان خدا به محمّد ﷺ آغاز بعثت فرخنده اوست.

بزودی این مرد برگزیده، این یگانه، به حرکت درمی‌آید تا با ابلاغ فرمان خدا به بندگانش، آنان را به راه حقّ، راه خدا، دین «اسلام» فراخواند.

اینک «محمّد» ﷺ مردی که هیچ شخص دیگری در صفات و مقدمات به رتبه او نرسید، و هیچ کس در مراتب بلندی که وی را برای چنین رسالتی آماده کرد، همدوش او نشد.

چنان که پیغمبران را به ستارگان فروزان آسمان و چراغهای نورانی تشبیه کنیم، وجود رسول اکرم ﷺ مانند آفتاب عالمتابی خواهد بود که در اثر پرتوافشانی خویش، نور و فروغ آنها را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد و مسلماً با وجود آفتاب درخشان هیچ‌گونه نیاز و احتیاجی به

دیگر روشناییها نخواهد بود، همچنان که مولوی می گوید:

نام احمد نام جمله انبیاست

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

اما تا محمد ﷺ رسالت خود را اعلام کند، جهان همچنان غرق در ظلمت و تاریکی است.

خورشید اسلام، دین حق طلوع کرد. «محمد ﷺ» ظهور کرد، تا از اعماق تیرگیهای قرون، از قلب همه ستمها و بی عدالتیها، به اراده پروردگار یکتا با صدای رسای خود، در آن برهوت خاموشی و درد، در گوش انسانها بخواند:

﴿يا ايها الناس، انا خلقناكم من ذكر و ائني و جعلناكم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقيكم﴾.

و به این ترتیب به همه مردم جهان، از عرب و غیر عرب اعلام کند ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و به (صورت) ملتها و قبایل (در دنیا) قرار دادیم، تا بدانید که بهترین ما در نزد پروردگار، پرهیزگارترین شماست.

محمد ﷺ آمده بود تا با شعار آزادی، برابری، برادری، انسانهای تحت ستم را از سلطه جباران و ستمگران برهاند و چنین نیز شد و بزودی تعالیم آن حضرت، همراه با آیات جانبخش قرآن کریم، نه تنها جزیره العرب؛ بلکه سرزمینهای دیگر را نیز به لرزه درآورد. مردم در هرجا، این صدا را شنیدند، به گوش گرفتند، به خاطر سپردند، اندیشه کردند و ایمان آوردند، چنان که دیری نگذشت که در پرتو قرآن و تعالیم

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقوام و ملل گوناگون در زیر پرچم اسلام، به شکل یک ملت درآمدند، در کشوری که از اقیانوس اطلس در غرب، تا اقیانوس کبیر را دربر می‌گرفت؛ و این انفجار در تاریخ بود و هست، زیرا دین اسلام جهان را دگرگون ساخت و این بزرگترین انقلاب در زندگانی انسان، و در طول تاریخ بود و هست.

### اسماء پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای اسماء گوناگون است که عبارتند از احمد (ستوده)، محمّد (ستوده‌تر)، الماحی (به این معنی است که خداوند متعال به واسطهٔ پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گناهان را محو می‌کند)، العاقب و الحاشر (به این معنی است که خداوند متعال مردم را به دنبال پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محشور می‌گرداند). در کتاب معانی الاخبار از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که «یس» یکی از اسماء پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و معنایش عبارت از شنوندهٔ وحی است.

در کتاب شریف خصال از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای ده اسم است که پنج‌تای آن در قرآن است و پنج‌تای آنها در قرآن نیست؛ اما آن پنج‌تایی که در قرآن است عبارتند از: محمّد، احمد، عبدالله، یس و ن. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای القاب گوناگونی است که مشهورترین آنها عبارتند از مصطفی و خاتم النبیین و مشهورترین کنیهٔ آن حضرت، ابوالقاسم است.

### ساعت ولادت پیامبر ﷺ

در مورد تعیین ساعت و روز ولادت پیامبر اعظم ﷺ مشهور بین علمای امامیه و مدلول اخبار رسیده عبارت است از این که پیامبر اعظم ﷺ هنگام طلوع فجر روز جمعه متولد شدند، ولی مشهور بین اهل تسنن عبارت است از این که بعد از طلوع فجر روز دوشنبه متولد شدند و همچنین اتفاق نظر شیعه - مگر افراد بسیار کمی - بر این امر قرار گرفته است که ولادت پیامبر اعظم ﷺ در هفدهم ربیع الاول بوده؛ ولی اکثر اهل تسنن معتقدند، تولد پیامبر اعظم ﷺ در دوازدهم ربیع الاول بوده است. (۱)

### سال تولد پیامبر ﷺ

در خصوص سال تولد پیامبر اعظم ﷺ باید گفت، سال دقیق ولادت پیامبر اعظم ﷺ معلوم نیست، ابن هشام و دیگران و همچنین مرحوم کلینی و برخی کتب معتبره دیگر می فرمایند؛ ولادت ایشان در سال فیل یا عام الفیل بوده است، یعنی سالی که ابرهه با پیلان برای خراب کردن کعبه آمد؛ ولی سخن اساسی این است که هم اکنون بدرستی نمی توان گفت این حادثه در چند سال بعد از میلاد حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام اتفاق افتاده است. (۲)

۱- روضة الواعظین، ج ۱، ص ۷۰؛ بحار الانوار ج ۱۵، ص ۲۴۸.

۲- اصول کافی، ابواب التاریخ، باب مولد النبی.



### مکان تولد پیامبر ﷺ

مکان تولد پیامبر اعظم ﷺ خانهٔ محمد بن یوسف بوده است، این خانه ملک پیامبر ﷺ بود. بعدها پیامبر ﷺ آن را به عقیل برادر حضرت علی عَلِيٌّ بخشید و سپس فرزندان عقیل آن را به محمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف ثقفی فروختند و او آن را جزء خانهٔ خود نمود تا در زمان هارون الرشید، خیزران مادر او، آن را گرفت و مسجدی در آن بنا کرد که هم اکنون نیز معروف است. (۱)

### توصیف پیامبر اعظم ﷺ

امام حسن مجتبی عَلِيٌّ فرماید از دائی خود هند بن ابی هاله که وَصَّاف رسول خدا ﷺ بود، خواستم که از آن حضرت مقداری برای من توصیف نماید و او چنین گفت:

پیغمبر اکرم ﷺ در چشم و دل هر بیننده، بزرگ و با مهابت جلوه می‌کرد و صورتش مانند ماه چهارده درخشان و نورانی بود، قامت متوسط و موزونی داشت. سرش بزرگ و موهایش نه زیاد مجعّد بود، نه زیاد افتاده که اگر چیده نمی‌شد، روی سرش پراکنده بود و در غیر این صورت، مویش از نرمهٔ گوش تجاوز نمی‌کرد.

رنگ چهره‌اش سفید مایل به سرخی، چشمانش سیاه و درشت و پیشانی‌اش گشاده و ابروهای مقوّس و باریک و کشیده داشت و میان آنها

رگی بود که هنگام خشم (از خون) پر می شد، بینی باریک و کشیده داشت که نوری از آن تابان بود و هر که تأمل نمی نمود گمان می کرد که بینی او بلند است، ریشش انبوه و گونه هایش هموار و پرگوش و دندانهایش سفید و بزاق و از هم جدا بودند و گردنش در صفا و زیبایی مانند نقره خام بود.

اندام آن حضرت متناسب و سینه و شکم در یک سطح بود، میان دو شانه پهن و از میان سینه تا ناف خط سیاه باریکی از مو بود و ذراعین و شانه ها و بالای سینه اش پر مو بود، ولی اطراف سینه و شکم او مو نداشت، مچ دستها پهن و کف دستهایش فراخ و دست و پایش سطر و محکم و انگشتانش کشیده و بلند و ساعدها و ساقش صاف و کشیده بود، کف پاهایش هموار نبود، بلکه میان آنها گرد بود، چشمش پایین و نگاه او به زمین بیشتر از نگاهش به سوی بالا بود، چون راه می رفت به جلو متمایل می شد، مثل این که به سرازیری می رود؛ مانند پیامبر ﷺ دیده نشد نه قبل از او و نه بعد از او.

### فرزندان پیامبر اعظم ﷺ

پیامبر ﷺ تنها از خدیجه ع و ماریه قبطیه دارای فرزند شدند، ابن اسحاق در سیره خویش می فرماید: نبی اکرم ص از حضرت خدیجه ع صاحب هفت فرزند شدند که عبارتند از:

۱- زینب ۲- ام کلثوم ۳- رقیه ۴- فاطمه ع ۵- قاسم ۶- طاهر ۷- طیب

عده ای دیگر معتقدند که پیامبر اعظم ص از حضرت خدیجه ع

دارای شش فرزند بوده‌اند که عبارتند از:

۱- زینب ۲- ام‌کلثوم ۳- رقیه ۴- فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ۵- قاسم ۶- عبدالله (که به طیب و طاهر هم نامیده می‌شده است).

۱- **قاسم:** نخستین فرزند رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که پیش از بعثت در مکه متولد شد، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به نام وی ابوالقاسم کنیه گرفت، قاسم در مکه در سن دو سالگی وفات یافت.

۲- **زینب:** دختر بزرگ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که بعد از قاسم در سن سی سالگی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ متولد شد و پیش از اسلام به ازدواج پسرخاله خود «ابوالعاص بن ربیع» درآمد و پس از جنگ بدر به مدینه هجرت کرد و در سال ششم هجرت در مدینه وفات یافت.

۳- **رقیه:** پیش از اسلام و بعد از زینب در مکه تولد یافت و پیش از اسلام به عقد «عُتْبَةُ بن ابی لهب» درآمد و پس از نزول سوره (تبت یدا ابی لهب) و پیش از عروسی به دستور ابی لهب و همسرش «ام‌جمیل» از وی جداگشت و سپس به عقد «عثمان بن عفان» درآمد و در هجرت اول مسلمان به حبشه، با وی هجرت کرد و آن‌گاه به مکه بازگشت و به مدینه هجرت کرد و در سال دوم هجرت سه روز بعد از بدر - همان روزی که مژده فتح بدر به مدینه رسید - وفات یافت.

۴- **ام‌کلثوم:** دختر سوم پیغمبر، ام‌کلثوم به نام آمنه بود که در مکه متولد شد، و پیش از اسلام مانند خواهرش به عقد پسرعموی خود «عُتْبَةُ بن ابی لهب» (برادر عتبه) درآمد و چون خانواده ابی لهب همگی در حال کفر به سر می‌بردند، لذا از وی طلاق گرفته و پس از وفات خواهرش

رقیه به عقد «عثمان بن عفان» درآمد؛ از این رو عثمان را «ذوالنورین» گفتند.

۵- عبدالله: پس از بعثت رسول الله ﷺ در مکه متولد شد و به نظر برخی مورخین (طیب و طاهر) لقب یافت و در همان مکه وفات یافت؛ ولی به نظر بعضی مورخین همانند ابن اسحاق، ابن هشام، و مرحوم کلینی طاهر پسر دیگری از فرزندان رسول الله است.

۶- فاطمه زهرا علیها السلام: اکثر مورخین معتقدند که تولد فاطمه زهرا علیها السلام پنج سال پیش از بعثت پیامبر اعظم ﷺ بوده است، این عقیده نیز وجود دارد که تولد حضرت زهرا علیها السلام پنج سال بعد از بعثت بوده است.

حضرت زهرا علیها السلام در مدینه با امیرالمؤمنین علیه السلام ازدواج کرد و بعد از وفات پیامبر ﷺ تنها فرزند رسول الله ﷺ بود که از وی به یادگار ماند، درود خداوند متعال و مُحبّان او بر وی باد.

۷- ابراهیم: ابراهیم از ماریه قبطیه در سال هشتم هجرت در مدینه متولد شد و در سال دهم هجرت در شانزده ماهگی یا بیست و دو ماهگی، سه ماه پیش از وفات پیامبر اعظم ﷺ از دنیا رفت.

### زیدبن حارثه پسرخوانده رسول الله ﷺ

ابن هشام می نویسد: پس از ازدواج رسول الله ﷺ با حضرت خدیجه علیها السلام حکیم بن حزام بن خویلد برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام از سفر شام، بردگانی آورد که از جمله آنها پسر نابالغی به نام زیدبن حارثه بود، هنگامی که عمه اش خدیجه دختر خویلد - که در آن تاریخ همسر

رسول الله ﷺ بود - به دیدن وی آمد، حکیم به او گفت: ای عمّه هر کدام از این غلامان را که می خواهی انتخاب کن.

حضرت خدیجه علیها السلام زید را انتخاب کرد و او را با خویش برد، چون رسول خدا ﷺ زید را در نزد حضرت خدیجه علیها السلام دید، خواست تا حضرت خدیجه علیها السلام او را به وی ببخشد، حضرت خدیجه علیها السلام هم او را به رسول الله ﷺ بخشید و رسول خدا ﷺ آزادش نمود و پسر خوانده خویش ساخت.

بعدها حارثه - پدر زید - در جستجوی پسرش می گشت تا او را در مکه و در خانه رسول خدا ﷺ پیدا کرد، زید رخصت یافت که اگر بخواهد همراه پدر برود، اما ماندن با رسول الله ﷺ را بر رفتن با پدر ترجیح داد و پدرش خشنود بازگشت، رسول خدا ﷺ او را دوست می داشت و چون فرزند خود با وی رفتار می کرد و مردم به او زید بن محمد می گفتند.

والسلام